

یادداشت

توبه هر حال شهیدی ای مرد!

آرش شفاهی
دیور فرهنگ و هنر

از فراز همه بودن ها؛ از پشت همه رنگ ها؛ سرو صداها و قیل و قال ها شهادت بدهی. بتوانی پرده ها را کنار بزنی و گواهی بدهی هنگامی که خداوند که دانای همه دانایی هاست، تو را به محضر خود بخواند و از تو گواهی طلب کند. بپهوده نیست که همیشه در قرآن، شاهد و شهید به همین معنای گواهی دهنده آمده است.

شهادت چیست؟ فقط این‌که جسدی را در زیر خاک‌ها بپایند؟ این‌که در خیرها بپاید که جست وجوها به سرانجام رسیده و تو را دیده‌اند؟ فرض کنیم زنده و البته پیر و درهم شکسته؛ مگر با این حساب تو دیگر شهید نیستی؟ مگر تو دیگر در مقام گواهی نیستی؟ تو اگر در این مقام نباشی که باشد ای شیر لشکر ۲۷ محمد رسول ...! ای کسی که بر دست‌های دوستانت شهید شدند و خون از پیشانی‌های چاک چاکشان سردی و بی‌آن‌که خم به ابرو بیاوری، دستور حمله دادی! تو اگر بر آن تنهایی‌ها، بر غریت‌ها، بر تکه‌تکه شدن جوانان این سرزمین گواهی ندهی، چه کسی بدهد؟ تو اگر بر قله ناپستی و خطاب به خدای جهانیان تگویی که بر سر ما چه آوردند و شکایت ما را تگویی از فقدان نبی‌مان، از غیبت امام‌مان، از قلت عدده‌مان و کثرت دشمنان مان، که بگوید؟ تو، فقط تو ای هرمز شهیدان، ای فرمانده شهیدان، ای شهید شهیدان که زنده هم اگر باشی، در زندان پلیدترین دشمنان خدا، شهیدی.



راستش را بخواهی از تو کم می‌دانیم، از تو کم گفته‌ایم، در حقت بد کرده‌ایم. کم گفته‌ایم چرا که فکری کردیم کم گفتن از تو و مطلوبیت چیزی را عوض نمی‌کند، مادر حجاب‌های زندگی مادی ما مانده بودیم و مانده‌ایم و فکرمی‌کنیم شهیدان نیازی به گفتن ندارند. گاهی هم مصلحت‌های سیاسی و دیپلماتیک تراشیده‌اند که سکوت‌مان مضاعف شود، تو را با آن قد و بالای رشید؛ با آن جذبه و صلابت در لایه لای تاریخ و در مناسبت‌های تقویمی گم کردیم، خدا باز خیر بدهد به محمدحسین مهدویان که نام درخشان تو را از غبار روزگار بیرون آورد و در برابر جشمان مان گذاشت. ما تو را و دوستان و هم‌زمان تو را کم کردیم، هر روز بیشتر و هر سال بیشتر، آنقدر از شما دور شدیم که انگار دیگر شما بخشی دور از تاریخ هستیید. دیگر مثل شما زندگی کردن، مثل شما از همه چیز بریدن، مثل شما برای خدا خشم گرفتن، برای خدا مهربان شدن و برای خدا از همه چیز بریدن برای‌مان خاطره‌ای شده‌است که فقط از انسان‌هایی در حدود نیم قرن پیش برمی‌آید.

ای شیر! ای شیرمرد! ای شیرآهن‌کوه مرد! در بالالند منظرای که ایستاده‌ای، ابرهای تغافل را از رو به روی نگاه ما کنار بزین، دست ما را، دست آنهایی از ما را که از تو و صدای تو دور افتاده‌اند، بگیرو ما را با حقیقتی آشنا کن که در جبهه خدا دیدی، در کوهستان‌های کردستان، در بیابان‌های خوزستان و در غربت لبنان. به ما بگو که تو شهیدی، حتی اگر زنده باشی و زنده‌ای حتی اگر به قضاوت دشمن شهید شده‌باشی. و شهادت بده بر این‌که ما با همه غفلت‌ها و سستی‌ها هنوز به تمامی از مسیر روشنی که تو در آن تمام راه را رفتی، دور نیفتاده‌ایم و کمک‌مان کن که در این مسیر بمانیم و به‌یمریم.

خبر

«فاتح خبیر» بر دیواره بزرگراه امام علی(ع)

سازمان زیباسازی شهرداری تهران برای بزرگداشت عیدسیدغدیرخم امسال برنامه‌روندمایی از هفت نقاشی فاخر با مضامین مذهبی را در دستور کار قرار داده‌است. پیش‌تر آثار بزرگانی چون علی بحرینی، مصطفی گودرزی، حسن جعفری‌نیا، حسن روح‌الامین و... با مضامین غدیرخم، اهل بیت(ع) و امیرالمؤمنین(ع) برگزیده شده‌اند و هنرمندان سرگرم بازآفرینی این تابلوها روی

هفت جداره بزرگراه امام‌علی(ع) هستند تا همزمان با عیدغدیررونمایی شوند.

سهم روح‌الامین که با آفریدن صحنه‌های عاشورایی و تابلوهای مذهبی بین هنردوستان شناخته می‌شود، از دیوارهای بزرگراه امام‌علی(ع) دو تابلو به نام‌های «فاتح خبیر» و «دیدار تو با فاطمه در عرش اعلا» ست. این هنرمند جوان «فاتح خبیر» را سال ۹۷ کشید و از نقاشی

گزارش روز

خواسته‌های جمعی از اهالی قلم را در روز قلم پرسیده‌ایم

از معیشت تارهایی

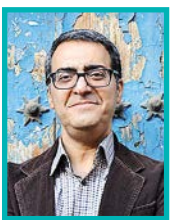
رویدادهای فرهنگی، اظهارنظرها، نقدها و نظرات، گزارش جایزه‌ها و جشنواره‌ها، تازه‌ترین تصمیم‌گیری‌ها، اقدامات مدیریتی و خاصه هر آنچه در ارتباط با اهل قلم بوده را در طول سال و به مناسبت‌های مختلف منعکس کرده‌ایم؛ حالا به بهانه روز قلم سراغ جمعی از شاعران و نویسندگان کشورمان رفته‌ایم و از آنها پرسیده‌ایم اگر جایگاه مدیریتی داشتند و در مقام تصمیم‌گیری بودند، برای اهل قلم چه می‌کردند و چه قدمی برمی‌داشتند؟ بدون تردید پاسخ این سوال، مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه اهالی قلم را عیان می‌کند. البته که در این مجال، جمع کوچکی از اهالی قلم نظرات‌شان را مطرح کرده‌اند و بیشتر از آن میسر نبود اما همین نکته‌های مطرح شده، دغدغه و مساله جمعی از اهالی قلم می‌تواند باشد و هر کدام از دیدگاه‌های مطرح شده از سوی این نویسندگان و شاعران، در فهرست اولویت‌ها و خواسته‌های این صنف قرار دارد. شاید در جمع‌بندی نظرات اهالی قلم به اهمیت مسائل معیشتی، برسیم اما این گروه نکات و مسائل دیگری را هم مطرح کرده‌اند که در ادامه می‌خوانید:

آذر مهاجر

گروه فرهنگ و هنر

دکتر غلامرضا کافی، شاعر، نویسنده، پژوهشگر و عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز که بیش از ۳۰ عنوان کتاب منتشر کرده، مدیریت بر اهالی قلم را روانی‌داند. دکتر کافی سخنانش را این‌طور شروع می‌کند: «اگر جایگاه و مسؤولیتی داشتم، احتمالاً پاسخ فرق می‌کرد اما حالا به عنوان کسی که مدتی یک مسؤولیتی اداری برعهده داشته، معتقدم اهالی قلم افرادی لطیف و صاحب طبعی ظریف هستند. این افراد نیازی به مدیریت ندارند، بلکه باید مورد حمایت قرار بگیرند.» دکتر کافی که مدتی در بسیج هنرمندان استان فارس مسؤولیت داشته، توضیح می‌دهد: «برای فرهنگ، ادبیات و هنرمثولی زیاد داریم، کسانی که جشنواره برپا کنند، جایزه بدهند اما اهالی هنر نیازمند حمایت‌های مادی و معنوی هستند. باید فرصت رشد و آموزش را برای اهالی قلم فراهم کرد. نشست هاو گرد همایی‌های اردویی، دوره‌های آموزشی و امکاناتی از این دست، می‌تواند برای اهالی قلم مفید و جذاب باشد.» این پژوهشگر ادبیات به حمایت‌های مادی هم اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «من اگر امکانی داشتم، بودجه‌ای برای خرید کتاب اختصاص می‌دادم، فیلم‌نامه‌می خریدم و فرصتی برای اربابان قلم فراهم می‌کردم که آثارشان به‌درستی عرضه شود.» دکتر کافی حمایت از هنرمندان را باعث دلگرمی آنها می‌داند و می‌گوید: «برگزاری جشنواره‌ها و جایزه‌های ادبی در جای خودشان خوب و ارزشمند هستند، البته همیشه در پایان هر جشنواره‌ای چند نفر راضی هستند و بقیه ناراضی اما چنانچه روش‌های حمایتی به هنرمندان سطوح مختلف ارائه شود، حتما نتایج بهتری خواهدداشت.»

اول، معیشت



مجید قیصری نویسنده‌ای است که به صورت جدی و مستمر داستان و رمان می‌نویسد. او امنیت شغلی و معیشتی اهالی قلم را مهم‌ترین مساله می‌داند و توضیح می‌دهد: «اولین و ابتدایی‌ترین نیاز اهالی قلم این است که حقوق ثابت، بیمه و بیمه تکمیلی داشته باشند. معیشت این قشر باید فراهم باشد و به این منظور حتما می‌توان ساز و کاری ترتیب داد تا هر کسی به‌راستی اهل قلم است، می‌نویسد و به فرهنگ کشور خدمت می‌کند، نیازهای اولیه‌اش مرتفع شود.» این نویسنده که در رشته روان‌شناسی تحصیل کرده، درباره تکت‌ر نویسنده و شاعر در کشورمان می‌گوید: «مگر در بخش دولتی، در وزارتخانه‌ها و نهاده‌ها با تکت‌ر نیروی انسانی مواجه نیستیم که همگی از امکانات معیشتی برخوردار هستند؟ پس حتما در حوزه قلم هم می‌توان حمایت‌هایی از نویسندگان و هنرمندان داشت.» قیصری معتقد است اهالی قلم براساس کیفیت و کمیت آثاری که ارائه می‌دهند، درجه بگیرند و براساس همین درجه‌بندی از حقوق و مزایای لازم برخوردار شوند. قیصری مثال می‌زند: «در کشور فنلاند هرکسی دو جلد کتاب نوشته باشد، نویسنده محسوب می‌شود و از این بابت که محتوایی به فرهنگ کشور اضافه کرده، امکانات معیشتی به عنوان یک نویسنده را در دسترس خواهد داشت.»



سید احمد نادمی، شاعر و نویسنده‌ای که در رشته مهندسی تحصیل کرده‌واگر روزی سکان مدیریت در بخش فرهنگ را برعهده بگیرد، اهالی قلم را به حال خودشان رها می‌کند! نادمی در این باره توضیح می‌دهد: «اگر چند سال پیش از من می‌پرسیدید مهم‌ترین اولویت اهالی قلم چیست، حتما می‌گفتم وضعیت معیشتی آنها بسیار اهمیت دارد و نیازی به رسمی‌شدن و دریافت حقوق دارند اما حالا به این نتیجه رسیده‌ام که به دلیل چنددستگی، تفاوت دیدگاه و مخالفت و موافقت‌های اهالی قلم نمی‌شود در این زمینه‌ها به یک تصمیم مورد قبول برای تمامی فعالان حوزه قلم رسید.» نادمی معتقد است: «ادبیات به عنوان زیرمجموعه فرهنگ و هنر، به‌عنوان یک نهاد مستقل شناخته نشده و بیشتر زینت‌المجالس است. بنابراین بهتر است مدیران کاری به کار اهل قلم نداشته باشند؛ نه دستورالعملی صادر کنند، نه حمایتی و نه مانع فعالیت‌های آنها شوند.» او درباره مشکلات معیشتی اهل قلم نیز توضیح می‌دهد: «اهالی قلم مثل بسیاری از بخش‌های دیگر جامعه درگیر مسائل معیشتی هستند و همه ما گرفتار معضلات اقتصادی هستیم؛ بیمه درمانی، مسکن و سایر امکانات رفاهی را همه می‌خوانند اما هرگز اراده‌ای برای ساماندهی اوضاع اهل قلم وجود نداشته و بعد از این هم توقعی نیست، جز این‌که اهالی قلم را رها کنند تا خودشان راه خودشان را پیدا کنند. شاید اگر کاری با ما نداشته باشند، اوضاع بهتر شود.» نادمی در پایان یادآوری کرد که خداوند به قلم قسم خورده و آرزو کرد خداوند این نعمت را از او و دیگر اهالی قلم نکیرد.

مدیران ادیب



علی محمد مودب، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار مهم‌ترین نکته در سیاستگذاری برای بخش ادبیات و فرهنگ را منوط به شناخت ادبیات می‌داند و این‌که لازم است مسوولان این حوزه حرمت و شأن اهل قلم را بشناسند.

این شاعر تاکید می‌کند که ادبیات مهم‌ترین میراث انسانی ماست که در جهان دیده شده و موثر بوده است. او می‌گوید: «تجربه‌های معنوی ملت‌ها در ادبیات بازتاب پیدا می‌کند و آن ملت را به جهان می‌شناساند اما سیاست‌ها در حوزه ادبیات درست نیست، بودجه کافی به این حوزه تعلق نمی‌گیرد و نگاه درست و دقیقی به ادبیات و فرهنگ وجود ندارد.»

مودب شناخت ظرفیت‌های ادبیات را مهم‌ترین اصلی‌ترین کاریک مدیر فرهنگی می‌داند و توضیح می‌دهد: «ادبیات می‌تواند اقتدار و ثروت ایجاد کند، بیشتر از سایر حوزه‌ها بر جامعه تاثیر بگذارد و تاثیرات شگرف داشته باشد اما نگاه صدقه‌ای به ادبیات وجود دارد و بودجه‌ای که به اهالی قلم تخصیص پیدا می‌کند، با جایگاه موثر ادبیات تناسبی ندارد.»

او درباره راهکارهای اجرایی برای ایجاد تغییر توضیح می‌دهد: «باید یک شورای عالی باشد که ادبیات را درست بشناسد و در نظام اداری کشور رسمیت داشته باشد. در شورای عالی انقلاب فرهنگی

دوم سال گذشته در دوران کرونا در فضای مجازی رونمایی کرد.

از میان انبوه کارهای مذهبی روح‌الامین، دو تابلو که بیشترین تناسب و هماهنگی را با عید بزرگ مسلمانان به‌ویژه شیعیان داشت، برگزیده شد و حدود دو هفته دیگر نسخه بزرگ‌تر و بازآفرینی‌شده آنها روی دو جداره بزرگراه امام‌علی(ع) به نمایش درمی‌آید.



درنگ



چرا چهاردهم تیر، «روز قلم» شده‌است؟

امروز چهاردهم تیرماه، در تقویم رسمی کشور به نام روز قلم نامگذاری شده است اما شاید برای شما هم این سوال پیش آمده باشد، که دلیل این نامگذاری چیست؟ ماجرای این نامگذاری خواندنی است. در ابتدای دهه ۸۰ انجمن قلم ایران تصمیم گرفت یک روز را برای ثبت در تقویم رسمی کشور برای تجلیل از اهالی فرهنگ و قلم اختصاص دهد. اعضای این انجمن تصمیم گرفتند روزی را انتخاب کنند که در فرهنگ و تاریخ ملی و اساطیری ایران ریشه داشته باشد. روز ۱۴ تیر به دو دلیل برای این مناسبت انتخاب و به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد شد. اولین دلیل، برگزاری جشن تیرگان بود. در تقویم باستانی برای روزهای هرماه اسامی خاصی در نظر گرفته می‌شد که این نام‌ها تشابه زیادی به نام ماه‌های سال داشت. به همین خاطر در هرماه سال یک‌بار نام آن ماه با نام یکی از روزهای ماه یکی می‌شد. این یکی شدن اسم روز با اسم ماه برای پیشینیان ارزش فراوانی داشت و چنین روزهایی را مقدس می‌دانستند و آن را جشن می‌گرفتند. روز سیزدهم هرماه را تیر می‌نامیدند و هروقت به روز سیزدهم تیرماه می‌رسیدند، این روز را روز تیرگان می‌خواندند و آن را جشن می‌گرفتند. گفته می‌شود آرش کمانگیر در همین روز به قله دماوند رفت، تیر در چله کمان گذاشت و به سمت توران پرتاب کرد. تیری که یک شبانه روز در راه بود تا در نهایت بردخت گردویی نشست و مرز ایران و توران را مشخص کرد. به رسمیت شناختن کاتبان در زمان هوشنگ، از یادشاهان پیشدادی نیز در همین روز صورت گرفت به طوری که ابوریحان بیرونی، نویسنده کتاب آثارالباقیه در کتابش به همین موضوع اشاره کرده است.

دلیل دوم این که این روز یعنی تیرگان، روز سیاره عطارد یا تیر است. در ادبیات و اسطوره‌های ایرانی، تیر به عنوان کاتب ستارگان شناخته می‌شود و در شعر و ادبیات ما همیشه با کاتب، قلم، کلک و انشا همنشین بوده است. برای همین است که حافظ می‌گوید:

ای که انشای عطارد صفت شوکت توست / عقل کل چاکر طغراکش دیوان تو باد

اما دلیل این‌که عطارد را کاتب ستارگان می‌دانسته‌اند، به همان ارتباط میان تیرو تیرگان و به رسمیت شناختن کاتبان به وسیله هوشنگ برمی‌گردد.

داستان خوب دکوپا و در قالب فیلم‌نامه نوشته شود. از این روست که نمی‌شود اهمیت ادبیات و اهالی قلم را نادیده گرفت و ساده از کنارش عبور کرد.»

او با این مقدمه و اشاره به این‌که کثرت جامعه ناشران و رویش نویسندگان، پژوهشگران و شاعران قابل اعتناست، توضیح می‌دهد: «اگر در جایگاه مدیریت حوزه قلم بودم، ابتدا موقعیت‌شناسی می‌کردم که اهالی قلم کجای جامعه ایستاده‌اند و نقش آنها چیست. به‌رحال مدیران ما در حوزه فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی براساس این موقعیت‌شناسی می‌توانند مشورت‌های سازنده بگیرند.»

هنرجو ضرورت بعدی را با زبانی اهل قلم می‌داند و می‌گوید: «به اعتقاد من لازم است تا ما فعالان عرصه قلم، نگاهی به خودمان و شرایط امروز داشته باشیم و بررسی کنیم که بانوجه به پدیده‌های جدید اجتماعی و هیاهوی داده‌های اطلاعاتی آیا تاثیرگذاریم یا تاثیرپذیر؟ اگر اهل قلم تاثیرپذیر باشد، یعنی از جامعه جامانده، باید جبران کند، جوشش داشته باشد و پیام‌های نو بخاربه کند.» او اضافه می‌کند: «در وضعیت فعلی که شمارگان کتاب به صورت متوسط ۵۰۰ نسخه است، یعنی در شرایط خوبی نیستیم و این فقط به بخش مدیریت برنمی‌گردد، به ما اهالی قلم هم مربوط است.

همیشه قزان نیست جامعه را مواخذه کنیم که چرا کتاب نمی‌خوانند، گاهی باید دید مشکلات سایر بخش‌ها چیست؟ باید دید آیا مسوول فرهنگی برخاسته از جامعه فرهنگی هست یا نه. متأسفانه مدیران غیرفرهنگی برای فرهنگی‌ها تصمیم می‌گیرند و بی‌مشتی‌ترین کمیسیون مجلس، کمیسیون فرهنگی است و نمایندگان رنگینی برای حضور در کمیسیون فرهنگی ندارند.»

حتی یک شاعر یا نویسنده هم نداریم. کسانی باید مسوولیت مدیریت امور اهالی قلم را برعهده بگیرند که ادبیات را بشناسند، توان تربیت نیرو داشته باشند، ساختار شعر و داستان را درک کنند و بعد وارد سیاستگذاری شوند و برای اجرای امور، ایده‌های موثر داشته باشند.»

موقعیت سنجی



حمید هنرجو، پژوهشگر، نویسنده، منتقد ادبی، روزنامه‌نگار و شاعر کودک و نوجوان است. به اعتقاد او اهل قلم در هر جای دنیا، منشأ تربیت فکری و ارتقای جایگاه افراد در جامعه هستند و اضافه می‌کند: «می‌دانید بدون خواندن و کسب معارف و آگاهی، هیچ

جامعه‌ای به رشد نمی‌رسد. البته امروز بخشی از دانستن و آموختن از طرق دیگری مانند تبادل اندیشه در نشر الکترونیک و شبکه‌های

اجتماعی هم رخ می‌دهد اما در هر صورت مهم است این را در نظر

داشته باشیم که مدیریت فرهنگی از ابتدای انقلاب تا امروز کارنامه

چندان بدی ندارد.

انقلاب اسلامی باعث شکوفایی قلم شده، آمار نشر چه به لحاظ کمی و چه کیفی قابل توجه است و در مجموع فرهنگ، نشر، انعکاس دیدگاه‌ها و تارواشات فکری و قلمی توفیق داشته است.» هنرجو تاکید می‌کند: «یک قطعه خوب موسیقی وقتی ساخته می‌شود که برای متن شاعرانه ملودی ساخته شود. یک فیلم خوب وقتی روی پرده نقره‌ای به نمایش در می‌آید و پیامش را به مردم ارسال می‌کند که یک

یادبود

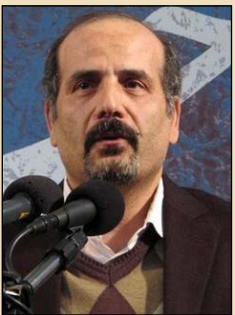
شب شعری برای «مهاجری از سرزمین آفتاب»



مراسم شب شعر «مهاجری از سرزمین آفتاب» با پاسداشت مقام مادر شهید بابایی (کونیکو یامامورا) شب گذشته در نخلستان سازمان اوج برگزار شد. در این مراسم جمعی از شاعران معاصر از جمله محمود اکرامی‌فر، میلاد عرفان‌پور، محمدحسین ملکیان، خانم مستشار نظامی، محسن کاویانی، علیرضا قزو، میلاد حبیبی و احمد بابایی به شعرخوانی پرداختند. زنده‌یاد کونیکو یامامورا که پس از تشرّف به دین اسلام، نام قرآنی سبا را برای خود انتخاب کرده‌بود، تنها مادر شهید دفاع مقدس با اصالت ژاپنی است. فرزند شهید وی (محمد بابایی) جوان ۱۹ ساله‌ای بود که هم در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های زیادی داشت و هم در زمان جنگ تحمیلی با وجود سن کم، راهی جبهه‌ها شد تا از اسلام و ایران دفاع کند. شهید بابایی در عملیات والفجر یک، در منطقه فکه به شهادت رسید. این بانوی مسلمان و مادر شهید که سال‌ها در ایران در عرصه آموزشی و فرهنگی فعال بود، این هفته پس از مدتی بیماری درگذشت. / جام جم

تازه ها

۹۰ قصه‌ای که کمتر به آنها توجه شده‌است



محمدپارسانسب در کتاب تازه خود با عنوان «از پیمان‌ه تا پیام؛ مروری بر صورت و معنی در قصه‌های مثنوی» به تبارشناسی حدود ۹۰ قصه و داستان مثنوی پرداخته‌است. این نویسنده و استاد دانشگاه با بیان این‌که این کتاب را برپایه کتاب دیگری که با عنوان «فرهنگ‌نامه داستان‌های متون فارسی» چاپ شده، نوشته‌ام، گفت: «مرحوم فروزانفر خیلی از داستان‌های مثنوی را براساس آنچه خود از منابع احصا کرده، کار کرده‌بود. دیدم برخی منابع داستان‌ها، منابعی است که استاد فروزانفر به آنها دسترسی نداشته یا آنها را ندیده‌است اما حالا با توجه به پیشرفت‌هایی که در حوزه فناوری اتفاق افتاده، به راحتی می‌توانیم این منابع را به دست بیاوریم. در نتیجه تعدادی از قصه‌ها را که منابع کمتری درباره‌شان معرفی شده‌بود، بررسی و سعی کردم سرچشمه آنها را از منابع قدیم نشان دهم. هدفم از تألیف کتاب این بود که بگویم اینها را مولانا از کجا گرفته و بعد هم مقایسه تحلیلی صورت بگیرد تا ببینیم مولانا دقیقاً از کدام نسخه این داستان استفاده کرده‌است. / ایسنا



یک غول در تالار هنر

تالار هنر این روزها شاهد اجرای نمایش جدیدی از حسین فدایی‌حسین به نام «غول نخودفرنگی» است که براساس اثری از جان اتان گراهام نوشته شده‌است. در این نمایش محمد حاجی بابایی، علی صدیق، مهدیه احمدی، عسل شاکری و یزدان کوبکی بازی می‌کنند. این نمایش تا ۹ مرداد هر روز روی صحنه است. در خلاصه داستان نمایش آمده‌است: سامی به دلیل مشکلاتی که در خانه با پدر و مادر و خواهر کوچکش دارد، آرزو می‌کند غولی داشته باشد که انتظارات او را برآورده کند. غول نخودفرنگی ظاهری شود و حضور او در خانه، اتفاقات زیادی را به دنبال دارد.